





دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)
پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

زن و مناصب حکومتی از منظر فقه امامیه

استاد راهنما :

حجة السلام و المسلمین عبدالکریم عبدالمهدی نژاد

استاد مشاور:

آقای دکتر محمدحسن حائری

نگارش :

سید ابوالحسن موسوی

زمستان ۱۳۹۰



بسمه تعالی

مشخصات پایان نامه تحصیلی دانشجویان

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان پایان نامه: زن و مناصب حکومتی از منظر فقه امامیه

نام نویسنده: سید ابوالحسن موسوی

نام استاد راهنما: حجه السلام و المسلمین عبدالکریم عبدالهیی نژاد

نام استاد مشاور: آقای دکتر محمدحسن حائری

دانشکده: الهیات ومعارف اسلامی شهید مطهری	گروه: فقه و مبانی حقوق اسلامی	رشته تحصیلی: الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی
تاریخ تصویب:	تاریخ دفاع: ۱۳۹۰ / ۱۱ / ۱۲	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ■	دکتری	تعداد صفحات: ۱۹۹

چکیده رساله/پایان نامه:

یکی از مسائل مهم و چالش بر انگیز در حوزه مطالعات اسلامی که از گذشته و به ویژه در سالهای اخیر محل بحث و تضارب آراء بوده است، مسئله صلاحیت یا عدم صلاحیت زن برای تصدی مناصب حکومتی همچون رهبری، ریاست جمهوری، وزارت، قضاوت و... است.

این که آیا تصدی چنین مناصبی برای زنان جایز است یا خیر؟ پرسشی است که در این تحقیق سعی شده، تا بدان پاسخ داده شود در پاسخ این پرسش باید گفت که مشهور فقها تصدی این مناصب را از شئون ولایت عامه دانسته، وبا استناد به کتاب، سنت، اجماع و دیگر ادله ذکورت را شرط تصدی این مناصب دانسته اند. در مقابل عده ی دیگری از فقها، ادله مشهور را در اثبات مدعا ناتمام دانسته، در نتیجه تصدی این مناصب را برای زنان جایز دانسته اند. در این تحقیق با بررسی دلائل هر دو گروه نتیجه گرفته شد؛ که مبانی و مستندات رای مشهور متقن تر بوده، در نتیجه برای زنان جایز نیست که متصدی این مناصب شوند.

امضای استاد راهنما:	کلید واژه:
	۱. زن
	۲. ولایت
	۳. فقه امامیه
تاریخ:	۴. مناصب حکومتی

فهرست مطالب

تعریف مسئله و تبیین موضوع.....	۱
پیشینه تحقیق.....	۱
پرسش های اساسی تحقیق.....	۴
فرضیه ها یا پاسخ های احتمالی تحقیق.....	۴
ضرورت تحقیق و هدف.....	۵
روش انجام تحقیق.....	۶
ساختار و بدنه اصلی تحقیق.....	۶

فصل اول: کلیات

۱-۱. فقه.....	۸
۱-۱-۱. فقه در لغت.....	۸
۱-۱-۲. فقه در اصطلاح.....	۹
۲-۱. اجتهاد.....	۹
۱-۲-۱. اجتهاد در لغت.....	۹
۲-۲-۱. اجتهاد در اصطلاح.....	۱۰
۳-۱. فتوا و مفتی.....	۱۰
۱-۳-۱. فتوا در لغت و اصطلاح.....	۱۰
۲-۳-۱. مفتی.....	۱۱
۴-۱. قضا.....	۱۱
۱-۴-۱. قضا در لغت.....	۱۱
۲-۴-۱. قضا در اصطلاح.....	۱۲
۵-۱. وکالت.....	۱۳
۱-۵-۱. وکالت در لغت.....	۱۳
۲-۵-۱. وکالت در اصطلاح.....	۱۳
۶-۱. ولایت.....	۱۴
۱-۶-۱. ولایت در لغت.....	۱۴
۲-۶-۱. ولایت در اصطلاح.....	۱۵

چهار

- ۱-۶-۳. اقسام ولایت ۱۵
- ۱-۶-۳-۱. ولایت تکوینی ۱۵
- ۱-۶-۳-۲. ولایت تشریحی ۱۶
- ۱-۶-۴. ولایت و مفاهیم متشابه ۱۶
- ۱-۶-۴-۱. ولایت و قیومیت ۱۶
- ۱-۶-۴-۲. ولایت و وکالت ۱
- ۱-۶-۴-۳. ولایت و مالکیت ۱۷
- ۱-۶-۵. مراتب ولایت ۱۷

فصل دوم: نگاهی به جایگاه زن در میان ادیان و اقوام گذشته

- نگاهی به جایگاه زن در میان ادیان و اقوام گذشته ۱۹
- ۱-۲. ایران باستان ۲۰
- ۲-۲. یونان ۲۱
- ۲-۳. روم ۲۱
- ۲-۴. هند ۲۲
- ۲-۵. مصر ۲۳
- ۲-۶. چین ۲۳
- ۲-۷. ژاپن ۲۴
- ۲-۸. عربستان ۲۴
- ۲-۹. جایگاه زن در ادیان پیش از اسلام ۲۸
- ۲-۱۰. جایگاه زن در اسلام ۲۹
- جمع بندی ۳۳

فصل سوم: مبانی شخصیت زن از منظر اسلام

- ۱-۳. مبدأ آفرینش زن و مرد در قرآن ۳۵
- ۲-۳. وجوه همسان زن و مرد ۳۹
- ۱-۲-۳. همسانی از حیث ارزش وجودی ۳۹
- ۲-۲-۳. همسانی در مقام خلافت الهی ۴۰

- ۳-۲-۳. همسانی در کرامت انسانی..... ۴۱
- ۳-۲-۴. همسانی در کمال یابی ۴۲
- ۳-۲-۵. همسانی در هدف غایی خلقت ۴۳
- ۳-۲-۶. همسانی در فراگیری دانش ۴۵
- ۳-۳. وجوه متمایز زن و مرد..... ۴۶
- ۳-۳-۱. تمایزات طبیعی زن و مرد..... ۴۷
- ۳-۳-۱-۱. تمایزات جسمی ۴۷
- ۳-۳-۱-۲. تمایزات روحی /روانی..... ۴۹
- ۳-۳-۲. تمایزات فقهی و حقوقی زن و مرد..... ۵۱
- ۳-۳-۲-۱. بلوغ..... ۵۱
- ۳-۳-۲-۲. طهارت ۵۳
- ۳-۳-۲-۳. پوشش ۵۴
- ۳-۳-۲-۴. امام جماعت بودن مرد..... ۵۶
- ۳-۳-۲-۵. اعمال مستحبی زن..... ۵۷
- ۳-۳-۲-۶. نذر و قسم..... ۵۸
- ۳-۳-۲-۷. جهاد..... ۵۹
- ۳-۳-۲-۸. شهادت ۶۰
- ۳-۳-۲-۹. ولایت بر طفل..... ۶۳
- ۳-۳-۲-۱۰. حضانت طفل..... ۶۵
- ۳-۳-۲-۱۱. اذن پدر و جد پدری در ازدواج دختر باکره..... ۶۸
- ۳-۳-۲-۱۲. مهریه و نفقه..... ۷۰
- ۳-۳-۲-۱۳. طلاق..... ۷۸
- ۳-۳-۲-۱۴. ارث..... ۸۴
- ۳-۳-۲-۱۵. دیه و قصاص..... ۹۳
- ۳-۳-۲-۱۶. ارتداد..... ۹۶
- ۳-۳-۳. تفاوت زن و مرد در قوه تعقل..... ۹۷
- ۳-۳-۴. راز تفاوت‌های زن و مرد..... ۱۰۰
- جمع بندی..... ۱۰۳

فصل چهارم: مشارکت سیاسی زن از منظر فقه امامیه

- مقدمه و طرح مسئله ۱۰۵
- ۱-۴ دیدگاه فقهای امامیه پیرامون شرط ذکورت در منصب قضاوت ۱۰۹
- ۱-۴-۱. فقهای قرن چهارم و پنجم (ه-ق) ۱۰۹
- ۱-۴-۲. فقهای قرن ششم و هفتم (ه-ق) ۱۱۰
- ۱-۴-۳. فقهای قرن هشتم و نهم (ه-ق) ۱۱۱
- ۱-۴-۴. فقهای قرن دهم و یازدهم (ه-ق) ۱۱۱
- ۱-۴-۵. فقهای قرن دوازدهم و سیزدهم (ه-ق) ۱۱۲
- ۱-۴-۶. فقهای قرن چهاردهم و پانزدهم (ه-ق) ۱۱۴
- ۲-۴ ادله و مستندات قائلان به شرط ذکورت در تصدی مناصب حکومتی ۱۱۵
- ۱-۲-۴. آیات قرآن ۱۱۵
- ۱-۱-۲-۴. آیه قیومیت ۱۱۵
- ۲-۱-۲-۴. آیه درجه ۱۲۵
- ۳-۱-۲-۴. آیه خصام ۱۲۶
- ۴-۱-۲-۴. آیه تبرج ۱۲۹
- ۲-۲-۴. روایات ۱۳۱
- ۱-۲-۲-۴. روایاتی که به صراحت امارت و ولایت زن را منع کرده اند ۱۳۰
- ۲-۲-۲-۴. روایاتی که از مشورت با زنان نهی کرده است ۱۴۲
- ۳-۱-۲-۴. روایاتی که بر مخالفت با زنان و عدم اطاعت از ایشان دلالت می کنند: ۱۴۹
- ۴-۲-۲-۴. روایاتی که بر ضعف نفس و عقل زنان دلالت می کنند ۱۵۳
- ۵-۲-۲-۴. روایاتی که قضاوت را مختص مردان می داند ۱۵۷
- ۶-۲-۲-۴. روایات دال بر منع امامت جماعت زنان ۱۶۱
- ۷-۲-۲-۴. روایات دال بر تستر و خانه نشینی زنان ۱۶۲
- ۳-۲-۴. اجماع ۱۶۳
- ۴-۲-۴. سیره مسلمین ۱۶۶
- ۵-۲-۴. مذاق شریعت ۱۶۸
- ۶-۲-۴. اولویت ۱۷۰
- ۷-۲-۴. اصل ۱۷۱

- ۳-۴. ادله قائلان به عدم شرط ذکورت در تصدی مناصب حکومتی..... ۱۷۵
- ۳-۴-۱. تمسک به عموم و اطلاق آیات..... ۱۷۵
- ۳-۴-۲. روایات..... ۱۷۹
- ۳-۳-۳. عقل..... ۱۸۱
- ۳-۳-۴. داستان ملکه سبا در قرآن..... ۱۸۱
- نتیجه گیری..... ۱۸۴
- کتابنامه..... ۱۸۶

تعریف مسئله و تبیین موضوع

حضور زن در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی از جمله مسائل مهمی است که از گذشته تا به امروز مورد بحث و بررسی بوده و بخشی از مطالعات مرتبط و سیاست گذاری ها را به خود اختصاص داده است. تصدی مناصبی همچون رهبری، ریاست جمهوری، وزارت، نمایندگی مجلس برای زنان از جمله موارد مهم و مورد مناقشه بوده که عرصه تشتت آراء فقها و اظهار نظرهای مختلف روشنفکران دینی بوده است. برخی از فقها تصدی چنین مناصبی را برای زنان جایز ندانسته و با استدلال به آیات و روایات در صدد نفی آن بر آمده اند. در مقابل گروهی دیگر با خدشه در این استدلال تصدی این مناصب را برای زنان مجاز دانسته اند. در این تحقیق سعی بر آن است تا با مراجعه به کتب تفسیری و متون فقهی و بررسی ادله موافقین و مخالفین جواز یا عدم جواز تصدی زن در این مناصب مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

در خصوص تصدی زن در مناصب حکومتی در کتب فقهی بحث مستقلی وجود ندارد البته در آثار فقهی برخی از فقها در کتاب قضا و تحت عنوان صفات قاضی در مورد شرط ذکوریت در تصدی منصب قضا بحث شده، در برخی از کتب تفسیری نیز در تفسیر برخی از آیات اشاراتی به این موضوع شده است. در این خصوص مقالات، کتب و پایان نامه هایی با عنوان قضاوت زن، به رشته تحریر در آمده که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود:

الف - مقالات

- ۱- شایستگی زن برای قضاوت اثر سید ضیاء مرتضوی منتشر شده در فصلنامه حکومت اسلامی شماره ۶.
- ۲- زن و ولایت سیاسی و قضایی اثر محمد مهدی آصفی منتشر شده در فصلنامه فقه اهل بیت شماره ۴۲.

- ۳- شایستگی زن برای قضاوت و مناصب رسمی اثر آیت اله هادی معرفت منتشر شده در فصلنامه حکومت اسلامی شماره ۴. همچنین مقاله بررسی مسئله شایستگی زنان برای قضاوت چاپ شده در مجله دادرسی شماره ۲.
- ۴- زن و مشارکت سیاسی اثر محمد جواد ارسطو منتشر شده در فصلنامه علوم سیاسی شماره ۱. همچنین مقاله ولایت زن در قرآن نوشته محمد جواد ارسطو چاپ شده در مجله فقه تطبیقی.
- ۵- زن و مسوولیت‌های اجتماعی و سیاسی از نگاه اسلام اثر عباس نیکزاد منتشر شده در مجله رواق اندیشه شماره ۸.
- ۶- زن و سیاست - گرایش ها و نگرش ها اثر مهدی مهریزی منتشر شده در فصلنامه حکومت اسلامی شماره ۴.
- ۷- زن و سیاست در قرآن اثر نوشین چتر چی منتشر شده در فصلنامه ندای صادق شماره ۲۳
- ۸- شایستگی زنان برای عهده دار شدن قضاوت اثر محمد مهدی گیلانی منتشر شده در مجله فقه اهل بیت شماره ۱۰.
- ۹- گزارشی از آرا و دیدگاهها در باب داوری زن اثر محمد حسین واثقی راد منتشر شده در مجله کاوشی نو در فقه شماره ۱۵.
- ۱۰- قضاوت زن از دیدگاه فقه شیعه اثرسید محمد یعقوب موسوی منتشر شده در مجله تخصصی فقه و اصول شماره ۸۱.
- ۱۱- بررسی شرط مرد بودن مفتی اثرمحمد محمدی گیلانی منتشر شده در مجله فقه اهل بیت شماره ۱۳.
- ۱۲- قضا و الفتای بانوان در اسلام اثر علی اکبر حسنی منتشر شده در مجله مجتمع آموزشی قم شماره ۱۴.
- ۱۳- مبانی حاکمیت زن در اندیشه فقهی-تفسیری شیعه اثر مرضیه عرب نژاد چاپ شده در فصلنامه بانوان شیعه شماره ۶ و ۷.
- ۱۴- دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زن چاپ شده در مجله پژوهش های قرآنی شماره ۲۵ و ۲۶.

۱۵- بنیادهای مخالفان قضاوت زنان در ایران نوشته خانم جمیله کدیور چاپ شده در مجله مطالعات زنان شماره ۱.

۱۶- قضاوت زن در قرآن و سنت اثر سهراب مروتی و عبدالجبار زرگوش نسب منتشر شده در مجله پژوهش زنان شماره ۲.

۱۷- بحثی پیرامون قضاوت زن اثر حسین مهر پور چاپ شده در مجله تحقیقات حقوقی شماره ۲۵ و ۲۶.

۱۸- دیدگاه قرآن در باره مشارکت سیاسی زن نوشته موسی حسینی منتشر شده در مجله پژوهش های قرآنی شماره ۲۵ و ۲۶.

ب- کتاب ها

۱- رساله بدیعه در تفسیر آیه (الرجال قوامون علی النساء...) نوشته علامه محمد حسین حسینی طهرانی.

۲- زن در آینه جلال و جمال اثر آقای عبدالله جوادی آملی.

۳- مبانی فقهی شرایط قاضی دز فقه شیعه و مذاهب چهارگانه نوشته آقای حمید انصاری.

۴- زن مسلمان، پرده نشینی یا حضور اجتماعی، نوشته خانم سهیلا جلالی کندری.

۵- قضاوت زن در فقه اسلامی همرا با چند مقاله دیگر نوشته نعمت الله صالحی.

۶- شایستگی زن برای عهده داری قضاوت اثر محمد مهدی گیلانی.

۷- اهلئیه المرأة لتولی السلطه نوشته علامه محمد مهدی شمس الدین.

۸- زن و تفاوت های جنسیتی در اسلام اثر حسین بستان.

۹- جایگاه اجتماعی زن از منظر اسلام اثر مهدی نصیری.

ج- پایان نامه ها

۱- قضاوت زن در اسلام نوشته طاهره طاهری دانشگاه قم دفاع شده در سال ۱۳۷۷.

۲- بررسی قضاوت زن در اسلام و ادیان ابراهیمی اثر مهتری نساجی دانشگاه قم دفاع شده در سال ۱۳۸۵.

۳- مرجعیت و قضاوت زن از دیدگاه فقه امامیه نوشته فهیمه نیک آیین نوروزی دانشگاه تهران دفاع در سال ۱۳۸۲.

۴- بررسی مبانی فقهی قضاوت، مرجعیت، ولایت و امامت زن نوشته سید محمد هاشمی
دانشگاه آزاد اراک دفاع در سال ۱۳۸۸.

پرسش های اساسی تحقیق

- ۱- آیا از منظر فقه امامیه تصدی مناصب حکومتی ا برای زن مشروع است یا خیر؟
- ۲- آیا تصدی زن در مناصب حکومتی اعمال ولایت است یا خیر؟
- ۳- آیا منع زن از تصدی پست های حکومتی نوعی تبعیض و ظلم در حق وی نیست؟
- ۴- آیا از نگاه فقه شیعه زن می تواند در امور سیاسی مشارکت داشته باشد؟

فرضیه ها یا پاسخ های احتمالی تحقیق

۱- بدون شک دین مبین اسلام به تمام زوایای زندگی انسان اعم از جنبه های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی توجه کامل داشته و تمامی برنامه ها و دستورات آن در راستای تحقق کمال و کرامت انسان و سعادت و سلامت جامعه است. خداوند متعال بر اساس حکمت خود هر یک از زن و مرد را با ویژگی های متفاوتی آفریده تا بدین جهت هر کدام بتوانند با برخورداری از نیروهای خدادادی خویش شالوده اجتماع انسانی یعنی خانواده را شکل دهند. خداوند حکیم پس از خلق هر یک از زن و مرد آنچه را که به مصلحت و شایسته شان آنهاست در حق آنها رعایت کرده و شان و مصلحت زن را در آن دانسته که از تصدی پست های حکومتی به دور باشد که این به صلاح وی و خانواده و جامعه خواهد بود.

۲- در مورد اینکه آیا تصدی زن در مناصب حکومتی اعمال ولایت محسوب می شود یا خیر؟ بین فقها اختلاف نظر وجود دارد برخی تصدی زن در این مناصب را اعمال ولایت دانسته و در نتیجه تصدی این مناصب را برای زنان جایز نمی دانند گروهی دیگر تصدی این مناصب را برای زنان بدون اشکال می دانند این عده یا در ولایی بودن این مناصب تشکیک کرده اند و یا ادله گرو او را در اثبات مدعا ناکافی دانسته و معتقدند تصدی

این مناصب برای زنان جایز است به نظر می رسد ورود زنان در این مناصب نوعی اعمال ولایت بوده و زن نتواند متصدی این مناصب شود.

۳- عدم جواز تصدی پست های حکومتی برای زنان هیچ گونه تبعیض و یا تضييع حق آنان محسوب نمی شود چرا که خدای متعال با در نظر گرفتن ویژگی های تکوینی و مطابق و متناسب با خصوصیات روحی و جسمی زن، او را تصدی و مسئولیت پذیرش این مناصب معاف داشته است و این امر، یعنی تقسیم مسئولیت، متناسب با استعداد و توان فرد مطابق اصل عدالت بوده، هیچ گونه ظلم و یا تبعیضی محسوب نمی شود.

۴- مشارک سیاسی زن به غیر از تصدی مناصب حکومتی و ولایی بلا مانع بوده و زن می تواند در امور سیاسی دیگر، با رعایت موازین و حدود شرعی و با حفظ عفت و متانت خویش شرکت کند.

ضرورت تحقیق و هدف

سعادت و سلامت جامعه از مسائل بسیار مهمی است که اهمیت آن برای همگان روشن است چرا که جامعه بستر رشد و تعالی انسان است اگر جامعه ای سالم نباشد افراد آن جامعه نیز مصون از فساد و انحراف نخواهند بود. خانواده به عنوان شالوده و زیر بنای جامعه نقش تعیین کننده ای در سرنوشت هر جامعه ای دارد در نظام خانواده نیز که رکن اصیل جامعه است نقش زن به عنوان مدیر داخلی خانه نقشی حیاتی و تردید ناپذیر است. تصدی زن در مناصب حکومتی به لحاظ تضاد این مناصب با ایفای نقش خطیر همسری و مادری و همچنین عدم تناسب این مناصب با خصوصیات روحی و جسمی زن نظام خانواده را مختل کرده موجبات فرو پاشی خانواده را در پی خواهد داشت و از این رهگذر نیز جامعه با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. کما این که در جوامعی که زنان در متصدی چنین مناصبی بوده اند شاهد چنین مشکلاتی بوده و هستیم با توجه به موارد مذکور ضروری به نظر رسید تا به این موضوع پردازیم.

روش انجام تحقیق

این تحقیق به روش تحلیلی، انجام شده و تدوین مطالب آن نیز به روش کتابخانه ای و با استفاده از کتابخانه الکترونیکی و همچنین در مواردی استفاده از اینترنت انجام گرفته است.

ساختار و بدنه اصلی تحقیق

این پایان نامه در چهار فصل به شرح زیر گردآوری شده است:

فصل اول کلیات و مفاهیم تحقیق آورده شده است.

فصل دوم وضعیت زن در میان ملل و ادیان گذشته مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل سوم به مبانی شخصیت زن از نظر اسلام پرداخته شده است.

فصل چهارم مشارکت سیاسی زن از نگاه فقه امامیه تحلیل و بررسی شده است.

فصل اول:

بیان کلیات و مفاهیم

۱-۱. فقه

۱-۱-۱. فقه در لغت

فقه در لغت به معنای فهم است: فهم موشکافانه و عمیقی که با دقت و تأمل حاصل می شود.

طریحی در مجمع البحرین با اشاره به قول خداوند که می فرماید: «لَکِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا»^۱ شما تسبیح آنها را نمی فهمید، فقه را فهم معنا کرده است.^۲ برخی دیگر از لغت شناسان فقه را دسترسی به علم مجهول از راه علم معلوم معنا کرده اند.^۳ در لسان قرآن و روایات فقه به معنای فهم عمیق آمده است. به عنوان نمونه در آیات زیر این معنا اراده شده است.

«ذَلِكَ بَأْنَهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ»^۴

«این به خاطر آن است که نخست ایمان آوردند و سپس کافر شدند از این رو بر دل‌های آنها مهر نهاده شد و حقیقت را درک نمی کنند.»

«لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا»^۵

«... که هیچ سخنی را نمی فهمند.»

«لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا»^۶

«آنها دل‌هایی دارند که با آن نمی فهمند.»

در آیات و روایاتی که به فهم عمیق و دریافت حقایق دین دعوت شده است تعبیر تفقه در دین دیده می شود. قرآن می فرماید:

«فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»^۱

^۱ - اسراء (۱۷): ۴۴.

^۲ - طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۵۵.

^۳ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۴۲.

^۴ - منافقون (۶۳): ۳.

^۵ - کهف (۱۸): ۹۳.

^۶ - اعراف (۷): ۱۷۹.

«چرا از هر گروهی از آنان طایفه ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند».

از حضرت علی علیه السلام نیز روایات شده که ایشان می فرمایند :

«و تعلموا القرآن فانه احسن الحديث و تفقهوا فيه فانه ربيع القلوب»^۲

«و قرآن را بیاموزید، زیرا بهترین گفتار است و در آن تدبر و تفقه نمایید زیرا بهار دلهاست».

با توجه به آنچه گفتیم دانسته می شود که فقه در لسان آیات و روایات به معنای عام آن

یعنی مطلق فهمیدن است که شامل فهم همه معارف اسلامی می شود و منحصر به فهم بخش

خاصی از این معارف نیست ولی با گذشت زمان از این معنی کلی و عام، به معنای مصطلح

امروزی که همان، فقه الاحکام باشد انصراف یافته است به طوری که تنها بخشی از معارف

دینی را در برمی گیرد که آن را احکام شرعی فرعی گویند.

۱-۱-۲. فقه در اصطلاح

در تعریف علم فقه گفته اند :

«الفقه هو العلم بالاحکام الشرعیه الفرعیه عن أدلتها التفصیلیه»^۳

«فقه عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی آن».

۱-۲-۱. اجتهاد

۱-۲-۱-۱. اجتهاد در لغت

اجتهاد در لغت از ماده جهد یا جُهد به معنای طاقت و مشقت است.^۴

برخی دیگر از لغت شناسان جهد را به کار بردن توان در بدست آوردن کاری که مستلزم

مشقت و سختی باشد معنا کرده اند.^۵

^۱ - توبه (۹): ۱۲۲ .

^۲ - جعفری، محمد تقی، *نهج البلاغه*، خطبه، ۱۱۰ .

^۳ - شهید اول، محمد بن مکی عاملی، *القوائد والفوائد* ج ۱، ص ۳۰؛ شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، *معالم الدین و ملاذ المجتهدین*، ص ۲۶.

^۴ - ابن منظور، محمد بن مکرّم، *لسان العرب*، ج ۳، ص ۱۳۳؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۲۰۸.

^۵ - شرتونی، سعید الخوری، *اقرب الموارد فی فصیح العربیه والشوارد*، ج ۱، ص ۱۱۴.

۱-۲-۲. اجتهاد در اصطلاح

صاحب قوانین در تعریف اجتهاد چنین گفته است :

«الاجتهاد هو استفراغ الوسع فی تحصیل الحکم الشرعی الفرعی من ادلته لمن عرف الادله و احوالها و کان له قوه القدسیه التي يتمكن بها عن مطلق رد الفرع الی الاصل»^۱

«اجتهاد یعنی به کارگیری نهایت تلاش برای تحصیل حکم شرعی فرعی از ادله آن برای کسی که آن ادله و احوال آن را بشناسد و همچنین دارای ملکه رد فرع بر اصل باشد.»

با توجه به آنچه گفته شد می توان گفت اجتهاد یعنی به کار بردن نهایت تلاش و توان در جهت استنباط احکام شرعی براساس ادله آن.

۱-۳-۱. فتوا و مفتی

۱-۳-۱. فتوا در لغت و اصطلاح

فتوا از ماده فتی و به معنای تازه جوان است.^۲

صاحب مجمع البحرین فتوا را از ماده فتا دانسته و با اشاره به آیاتی از قرآن معانی متعددی را برای آن ذکر می کند :

با اشاره به آیه	«.. تَفْتَوًا تَذَكَّرُ يُوسُفُ» ^۳	فتا به معنای یاد کردن و به یاد داشتن.
با اشاره به آیه	«... مِنْ فَتْيَاتِكُمْ الْمُؤْمِنَاتِ» ^۴	فتا به معنای کنیز و عبد.
با اشاره به آیه	«... أَنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ» ^۵	فتا معنای جوان.
با اشاره به آیه	«.. لَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا» ^۶	فتا به معنای پرسیدن و سوال کردن.

کردن.

و در نهایت می گوید :

^۱ - قمی ، میرزا الوالقاسم ، *قوانین الاصول* ، ج ۲ ، ص ۱۰۱.

^۲ - راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، *المفردات فی غریب القرآن* ، ص ۶۲۵.

^۳ - یوسف (۱۲) : ۸۵.

^۴ - نساء (۴) : ۲۵.

^۵ - کهف (۱۸) : ۱۳.

^۶ - همان : ۲۲.

فصل اول (کلیات)..... ۱۱

فتیا با «یاء» و ضم «فاء» و فتوی با «واو» و فتح «فاء» به معنای آن چیزی است که فقیه درباره آن فتوا صادر کرده است گفته می شود من از فقیه فتوا خواستم پس او فتوا داد^۱.

فیومی در مصباح المنیر فتوا را چنین معنا کرده است:

فتوی به فتح «فاء» و اسم آن آفتا به معنی بیان حکم و روشن ساختن آن است و از او استفتا خواستم یعنی از او خواستم فتوا بدهد.^۲

بنابراین یکی از معانی لغوی فتوا، استفتا و دیگر مشتقات این کلمه، به معنای سوال کردن، پاسخ دادن و روشن کردن مسائل مبهم است. و در اصطلاح گفته شده فتوی عبارت است از اخبار از حکم خدا به واسطه استنباط، بر طبق حدس و اعتقاد مفتی به اینکه این فتوی مدلول نص است یا منتهی به نص می شود.^۳

۱-۳-۲. مفتی

در تعریف اصطلاحی فتوی گفته شد که فتوی عبارت است از استنباط احکام الهی و خبر دادن از آن و مفتی در لغت به معنی فتوا دهنده و مرادف با مجتهد است و در اصطلاح کسی را گویند که با تلاش و ژرف نگری به استنباط احکام خدا می پردازد.

۱-۴. قضا

۱-۴-۱. قضا در لغت

اهل لغت برای واژه قضا معانی مختلفی را ذکر کرده اند. در زیر به چند نمونه از این معانی اشاره می کنیم:

طریحی در مجمع البحرین با اشاره به آیات قرآن ده معنی برای قضا ذکر می کند که عبارتند از:

«حکم، اعلام، فیصله دادن، امر حتمی، خلق کردن، انجام دادن، تمام کردن، کشتن، به جا

^۱ - طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین ج ۱، ص ۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶.

^۲ - فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۶۲.

^۳ - محمدی گیلانی، محمد، بررسی شرط مورد بودن مفتی، مجله فقه اهل بیت، ش ۱۳، بهار ۱۳۷۷، ص ۱۰۱.

آوردن، فعل^۱

راغب نیز در مفردات قضا را این گونه معنا کرده است :

«الْقَضَاءُ: فصل الأمر قولاً كان ذلك أو فعلاً»^۲

« قضا جدا کردن دو چیز از یکدیگر است خواه بافعل باشد خواه باقول.»

با توجه به معانی مختلفی که برای قضا ذکر شد در اینکه آیا واژه قضا بین این معانی مشترک لفظی است و یا اینکه قضا در اصل برای یک معنی وضع شده و استعمال آن در معانی دیگر از باب اشتراک معنوی می باشد میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. خلاصه آنکه مشهورترین معنای لغوی قضا، حکم و داوری کردن است که با معانی اصطلاحی آن نیز متناسب می باشد.

۱-۴-۲. قضا در اصطلاح

در کتب فقهی برای قضا تعاریف مختلفی آمده است : شهید ثانی قضا را چنین تعریف می کند :

«و عرفوه شرعاً بانه : ولاية الحكم شرعاً لمن له اهليه الفتوى بجزئيات القوانين الشرعية،

على اشخاص معينة من البرية، با ثبات الحقوق و استيفائها للمستحق»^۳

قضا ولایت بر صدور حکم است شرعاً برای کسی که شرایط و اهلیت فتوی را در مورد جزئیات قوانین شرعی و بین اشخاص معین برای اثبات حقوق و بازگرداندن حق به صاحبان آنها داشته باشد.

شهید اول در کتاب دروس می نویسد :

«و هو ولاية شرعية على الحكم في المصالح العامة من قبل الامام»^۴

«قضا ولایت شرعی بر حکم در مصالح عامه از طرف امام است.»

^۱ - طریحی ، فخرالدین ، مجمع البحرين ، ج ۱ ، ص ۳۴۲.

^۲ - راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، المفردات ، ص ۶۴۷.

^۳ - شهید ثانی ، زین الدین بن علی عاملی ، مسالك الافهام ، ج ۱۳ ، ص ۳۲۵.

^۴ - شهید اول ، محمد بن مکی عاملی ، الدروس الشرعية في فقه الامامية ، ج ۲ ، ص ۶۵.